

داریوش موگوثی^۱ - حسین میر جعفری^۲ - محمد کریم یوسف جمالی^۳

۱- گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲- گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول) sss@usb.ac.ir

۳- گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

فعالیت شهر سازی تیموریان در شهرهای سمرقند و هرات

چکیده:

یکی از مهمترین دلایل ارزش و اهمیت شهرهای سمرقند و هرات موقعیت تجاری و بازرگانی آن‌ها بود. زیرا که این دو شهر اقامتگاه واردوگاه نظامی تیمور و شاهرخ محسوب می‌شدند. در ایامی که تشکیلات کشوری و مقامات عالیه در اختیار حاکم بود، چنین پایگاهی کانون اصلی حکومت می‌شد و مرکز خرید و فروش به شمار می‌رفتند. در ایران که کاروان‌ها از راه‌های بسیار دور با شرایط جوی و اقلیمی متنوع راه‌های طولانی را برای تجارت طی می‌کردند، امنیت و سلامت راه‌ها برای آن‌ها بسیار حیاتی بود. در ادواری که حکومت مرکزی مقتدر بود، در مسیر راه‌ها چاپار خانه‌ها، کاروانسراها و راهدار خانه‌های زیادی شکل می‌گرفت که توسط ناظران کنترل می‌شد و کلید تجارت داخلی و خارجی به حساب می‌آمد.

در دوران تیموریان به علت موقعیت تجاری شهرهای سمرقند و هرات، فرمانروایانی مانند: تیمور و شاهرخ، برای نشان دادن عظمت، شکوه و جلال امپراطوری تیموری تلاش زیادی در جهت رشد و توسعه این دو شهر کردند.

کلید واژه‌ها: شهر - سمرقند - هرات - تیمور - شاهرخ

مقدمه:

با حملات تیمور و رقابت بر سر جانشینی او بعد از مرگش شهرهای ایران دچار خرابی و ویرانی بسیاری شدند. لیکن تیمور و تیموریان در دوران ثبات سعی بر آن داشتند که شهرهای ویران شده را بازسازی نمایند. البته تخریب شهرها در همه جا به یک گونه نبود. بیشتر باروهای شهر به علت مقاومت و شورش مجدد ویران می‌شدند و مراکز اصلی شهر مانند: ارگ‌ها و عمارات سلطنتی، مساجد و بازارها که از ارکان اصلی شهر بودند صدمه چندانی نمی‌دیدند. پژوهشگران تاریخ تیموریان، کمتر به نقش تیموریان در بازسازی و شهرسازی شهرها در عصر تیموریان پرداخته. بیشتر به کشتارهای انسانی اشاره کرده‌اند. تیمور و فرزندانش برخلاف چنگیز در فرهنگ شهری بزرگ شده بودند و هیچکدام از تیموریان تمایل به زندگی در چادر مانند چنگیزیان از خود نشان ندادند. آنان به کارکرد شهر به عنوان کانون‌های اقتصادی پی برده بودند. لذا تیمور و جانشینان او توجه بسیار زیادی به شهرهای سمرقند و هرات که مرکز قدرت آنان بود قائل بودند و با احداث بناهای سلطنتی و فرهنگی و مذهبی مانند: کاخ‌ها، مساجد، بازار و بارو و باغ‌های وسیع در پیرامون شهرهای سمرقند و هرات و ایجاد میدان‌های شهری، مدارس، حمام‌های عمومی، رصدخانه، کاروانسرا، آسیاب‌های آبی، اصول اصلی ساختار شهری شهرهای اسلامی را رعایت نمودند و سعی کردند مراکز قدرت را هرچه باشکوه و با عظمت جلوه دهند. سوال اصلی این مقاله: علل و انگیزه فعالیت شهر سازی تیموریان در دو شهر سمرقند و هرات می‌باشد که در این مقاله کوشش می‌شود به آن پاسخ داده شود.

شهر سمرقند در زمان تیموریان

در نیمه اول قرن هشتم قمری ابن بطوطه شهر سمرقند را چنین توصیف می‌کند: «سمرقند یکی از زیباترین و بزرگترین شهرهای دنیا می‌باشد که دارای باغ‌های بسیار زیبا و کاخ‌های بزرگ است. اما اکثریت بناها خراب است و بسیاری از قسمت‌های داخلی به حالت ویرانه است. شهر نه بارو دارد و نه دروازه.^۱

زمانی که تیمور در نیمه دوم قرن هشتم هجری شهر سمرقند را به عنوان پایتخت امپراطوریش انتخاب کرد، به بازسازی شهر سمرقند پرداخت و باروی شهر را بازسازی نمود و در داخل شهر بناهای عمومی مانند: کاروانسرا، حمام، مساجد، مدارس، حوضچه‌های آب، آب انبارها و کاخ‌های بسیار - زیبا

برای مراسم تشریفات - ساخت و در مدت کوتاهی شهر سمرقند را آباد کرد. در اطراف شهر باغات زیبا و عالی، خانقاه‌های زیاد که در بهای آن بر روی فقرا و مسکینان همیشه باز بودند برپا کرد. در راه‌هایی که منتهی به سمرقند می‌شدند یام (مراکز انتظامی) ایجاد کرد و تمام ساختمان‌های فرسوده و مخروبه را مرمت کرد.^۲

در اطراف شهر سمرقند دهکده‌هایی بنام مصر، دمشق، بغداد، سلطانیه، شیراز که معروفترین شهرهای آن روز بودند ساخت و بوستان‌هایی بی شمار، کاخ‌های بلند، بنا نهاد و در آن‌ها بهترین نهال‌ها را نشاند و هریک را اسمی خاص نهاد. مانند: بوستان ارم، زینت دنیا، جنت فردوس، بوستان شمال، جنت علیا، و در این کاخ‌ها تصاویر خود را گاهی خندان و گاهی خشمگین نقش کرد.^۳

تیمور شیفته عمارت عالی بود و بیش از هر پادشاه آسیایی دیگر در دوران میانه اسلامی به کارهای ساختمانی دست زد و ماهرترین استادان بنا و نگارگر و مهندس را از سراسر امپراطوری به سمرقند منتقل کرد. با تسخیر قسمت اعظم آسیا که ثروت بیکران و مصالح فراوان که در اختیار قرارگرفت به سرعت دست به ساختن مجموعه‌ای از بناهای شگفت انگیز زد تا آنجایی که میدان ریگستان سمرقند یکی از زیبا ترین مراکز بزرگ شهری در آسیای مرکزی گردید.^۴

تیمور برای همسرانش کاخ‌های جداگانه‌ای بنا کرد مانند: سرای ملک خانم که باغ چنار نامیده می‌شد، سرای تومان آغا باغ بهشت، سرای بیگی سلطان باغ شمال، و پیرامون آن‌ها باغ‌های بسیار زیبا احداث کرد.^۵

تیمور بر روی کوهی که هفت فرسخ تا سمرقند بود قصری ساخت به نام قراچه و اطراف آن باغی احداث کرد و از چشمه کوه آب به باغ می‌رساندند.^۶

از این کاخ‌ها و بوستان‌ها مردم به عنوان پارک و تفریح گاه استفاده می‌کردند و ورود به آن‌ها برای عموم آزاد بود و میوه‌های آن‌ها رایگان بود و فروخته نمی‌شد.^۷

بزرگان شهر هم به پیروی از تیمور در پیرامون سمرقند ملک و خانه‌های بیلاقی بنا کردند و گرداگرد آن‌ها باغ‌های بسیار زیبا ایجاد کردند که از میان باغ‌های داخل و خارج شهر نهرها و جویبارهای زیادی می‌گذشت.^۸

کاخ دلگشای تیمور بسیار بزرگ بود و در آن انواع درختان میوه کاشته بودند. دروازه کاخ به شیوه‌ای بسیار زیبا با کاشی‌های زرین و آبی آرایش شده بود. در میان کاخ فواره‌ای گذاشته بودند که آب را به هوا می‌پراکند و در روی سرفواره سیب‌های سرخی بود که بالا و پائین می‌رفتند.^۹

کاخ دیگری وجود داشت که با پرده آرایش شده بود. درون کاخ اطاقی بود که سه شاهنشین به اطاق‌های نیم دایره داشت. کف آن‌ها اندکی از زمین بلندتر و دیوارها و کف آن‌ها از کاشی رنگارنگ پوشیده شده بود.

این شاه نشین‌ها جای خواب بودند و از پرده‌های پارچه‌ای زربفت و سیم بفت و تشک‌های کوچک که بعضی از آن‌ها با پارچه زربفت و برخی از پارچه‌های ابریشمی با الیاف زر آستر شده بودند و دیوارها از پرده‌های سرخ پوشیده بود و بر روی پرده‌ها منجوق‌هایی از زر و یاقوت و مروارید و سنگ‌های گرانبها دوخته بودند و نواری ابریشمی باریک بالای پرده‌ها دوخته بودند و با قالی و حصیر فرش شده بودند. وسط کاخ دو میز زرین که دوتا از بیرون به گوهرهای گرانبها و زمرد و فیروزه مزین شده بود و بر دهانه آن‌ها لعل بدخشان را در طلا نشانده بودند قرار داشت و شش فنجان زرین گرد بر آن میز نهاده بودند.^{۱۰}

کاخ دیگر به شکل صلیب در میان باغ نو داشت و حوض بزرگی در برابر آن احداث کرده بودند. این کاخ یکی از زیبا ترین کاخ‌های تیمور بود که با کاشی‌های زرین و آبی بسیار زیبایی تزیین شده بود. گرداگرد این باغ دیوارهای بلند و چهارگوش بود و در هریک از چهار گوشه آن برجی گرد و بسیار بلند قرار داشت و دیوارهای باغ نیز از نظر بلندی و استحکام مانند برج‌ها بودند.^{۱۱}

کاخ‌های تیمور در نزدیک سمرقند ساخته شده بودند. پشت آن‌ها دشتی بود پهناور که در آن رودخانه زرافشان جاری بود و نهرهای فراوانی از آن برای آبیاری باغ‌ها حفر کرده بودند.^{۱۲}

کاخی که تیمور برای مادر زنش ساخته بود دارای تعداد زیادی اطاق‌های مجزا بود که با گچ بسیار زیبایی آرایش و تزیین شده بود.^{۱۳}

در هنگام جشن در شهر سمرقند اعلان می‌کردند که کلیه کسبه شهر از هر صنف، جواهر فروشان، دوره گردها، آشپزان، قصابان، نانویان، خیاطان، کفاشان، صنعتگران، به اردوگاه بروند و به

آن‌ها سفارش می‌شد تا چادری برای خود بیاورند و در آنجا به کسب پردازند و هر چه کالا دارند برای فروش عرضه کنند.

تیمور دستور داده بود تا هر صنف و دسته از ارباب حرف‌نمایی برای جشن تهیه کنند و هر کس تردستی دارد برای احساس رضایت تماشاچیان اجرا کند و تا اجازه ندادند، به خانه باز نگردند، تیمور با برپا کردن جشن‌های گوناگون شکوه و عظمت پایتخت خود را به نمایندگان سایر ملل نشان می‌داد.^{۱۴}

تیمور علاوه بر ساختن بناهای سلطنتی، از مجموعه‌های مذهبی حمایت می‌کرد و خود را شیفته مذهب نشان می‌داد. بعد از فتح هند دستور داد تا مسجدی بی‌همتا مانند مسجدی که در هند دیده بود برایش بسازند و استاد بنا محمد جلد را مامور ساختن مسجد کرد.^{۱۵}

تعداد زیادی از مهندسان، استادان بنا، مشغول به ساختن مسجد جامع سمرقند شدند و نزدیک به دویست نفر سنگ تراش و پانصد نفر کارگر در کوه‌ها به بریدن سنگ و فرستادن آن‌ها به شهر مشغول به کار شدند و برای حمل سنگ‌ها از نود و پنج زنجیر فیل استفاده شده بود.^{۱۶}

تیمور چنان اشتیاق به اتمام بناهای در حال ساخت از خود نشان می‌داد که در اواخر عمر هم به علت بیماری و کهولت سن سحرگاه با تخت روان بر سر عمارت نیمه ساخته حاضر می‌شد و نظارت بر کار بناها را به عهده می‌گرفت. هنگام ساختن مسجد مادر زنش اکثر اوقات در مدرسه بی‌بی خانم و خانقاه تومان آغا همسر دیگرش که نزدیک مسجد بودند ساکن بود.^{۱۷}

ساختمان مسجد بی‌بی خانم به ابعاد (۱۶۷×۱۰۹) متر بود. نقشه و طراحی مسجد به طور کلی تقلیدی از مسجد الجاتیو در شهر سلطانیه بود. تیمور این مسجد را به نشانه تجلی قدرت و فتوحات و پیروزی‌های خود بنا کرد.

استادان بنا که ۴۸۰ ستون از سنگ را تراشیده بودند و طول آن‌ها هفت گز بود بر روی آن‌ها سوره کهف و آیات قرآن را به صورت کتیبه نوشتند و در مسجد به کار گذاشتند.^{۱۸}

کنار مسجد شاهزاده محمد سلطان گنبدی برای مرقد خودش ساخت و برای توسعه آن خانه‌های اطراف آن را تخریب و تبدیل به باغچه برای آرامگاهش کرد.^{۱۹}

همسر تیمور که ملکه بزرگ نامیده می‌شد، در شهر سمرقند مدرسه‌ای ساخت. در برابر مسجد جامع که از لحاظ استحکام و استواری و ارتفاع بسیار برتر از مسجد تیمور بود و تیمور هنگام برگشت از هند دستور داد بخشی از مدرسه را که ارتفاعش بالاتر از مسجد بود، تخریب کنند.^{۲۰}

همچنین تیمور در سمرقند مدرسه‌ای بنام محمد سلطان نوه‌اش ساخت که بعدها تبدیل به آرامگاه شاهزادگان تیموری شد.^{۲۱}

در سمرقند علاوه بر مدرسه و مساجد، بناهایی مانند: حمام‌ها و کاروان سراها و غیره برای استفاده عموم بنا نهاد. حتی در خیابان‌های سمرقند در روزهای جشن که تعداد جمعیت زیاد می‌شد گرمابه داران، گرمابه‌هایی سیار برای استفاده مردم با چادر احداث می‌کردند.^{۲۲}

تیمور در سفرهای جنگی خود با به همراه بردن یک مسجد چوبی سیار علاقه مندی‌اش به مذهب را نشان می‌داد. مسجدی ساخته بود از چوب که دارای چهار دروازه بود که بر سکوهایی قرار داشتند. کار نجاری مسجد بسیار زیبا بود و بانقش‌های زرین و آبی آرایش شده بود و چنان ساخته شده بود که قابل حمل باشد. تیمور در هنگام سفر آنرا به همراه می‌برد و در آن نماز می‌خواند.^{۲۳}

تیمور پشتیبان تجار و بازرگانان بود و برای رونق اقتصادی شهر سمرقند بازار جدیدی احداث کرد. هر سال از چین هشتصد بار شتر کالا و از هند و سرزمین‌های تاتار کالاهای بسیاری از همه گونه وارد سمرقند می‌شد و اطراف سمرقند مراکز عمده بازرگانی به شمار می‌رفت و از آنجائی که در درون شهر جایی نبود که بتوان در آن کالاها را به شیوه‌ای شایسته و مناسب انبار و برای فروش عرضه کرد؛ بنابراین تیمور دستور داد که خیابانی که سمرقند را به دو قسمت تقسیم می‌کرد احداث کنند و در دوسوی آن دکان‌هایی بسازند که در آنها همه گونه کالا به فروش برسد. برای این کار، دو نفر از بزرگان را انتخاب کرد و به آنها تاکید کرد که شب و روز مشغول کار باشند و خانه‌های مسیر بازار را خراب کنند. استادان بنا خیابانی بزرگ کردند در دو طرف آن دکان‌هایی ساختند و در برابر هر دکان نیمکتی سنگی که از لوحی سفید بود قرار دادند. هر دکان دارای دو اطاق، یکی در پیش و یکی در پشت برای انبار بود. بر بالای آن خیابان سقفی قوس دار و گنبد دار زدند که پنجره‌هایی برای روشنایی داشت. تا این اطاق‌ها آماده گشت، بی درنگ بازرگانان برای فروش کالاهای خویش که از همه نوع جنس بود، در آن‌ها بساط پهن کردند.^{۲۴}

در فواصل مختلف خیابان فواره هایی کار گذاشتند و نگهداری از ساختمان ها را به عهده شورای شهر گذاشتند. از لحاظ کارگر هیچ کاستی و نقصانی در کار نبود. هر تعداد کارگر که مورد نیاز استادان بنا بود از بیرون می آوردند. بناهایی که مشغول به کار بودند به صورت شیفت کار می کردند و سراسر شب مشغول کار بودند برخی از خانه ها را تخریب می کردند، عده ای دیگر خیابان ها را تسطیح می کردند و گروهی دیگر به ساختن ساختمان بازار مشغول بودند بدین گونه بازار در طی بیست روز به پایان رسید.^{۲۵}

تیمور در فتوحاتش از سرزمین های دیگر هنرمندان و دانشمندان را به سمرقند منتقل کرد. از دمشق همه بافندگان که با دوک های مخصوص به بافتن پرنیان مشغول بودند، کمان سازان که کمان زنبورکی میساختند که در جهان نام آور بودند. زره سازان، چینی سازان، شیشه سازان و تفنگ سازان عثمانی و آنچه که از ارباب حرف یافته بود همچون زرگر، بنا، توپ سازان، توپ چیان و آنان که طناب برای وسائل می بافتند، را به سمرقند کوچانید.^{۲۶}

شهر سمرقند در دشتی واقع بود که گرداگرد آن حصار یا دیوار گلی و خندق عمیق قرار داشت. این شهر از اشبیلیه اسپانیا اندکی بزرگتر بود. اما در پیرامون سمرقند خانه های بسیاری ساخته بودند که از محله ها و توابع شهر تشکیل می شد این محله و توابع در همه سوی شهر گسترده و باغ ها احاطه شده بودند. این آبادی ها در فاصله یک فرسخ و نیم و گاهی دو فرسخ در پیرامون شهر گسترده شده بودند و شهر در میان آن ها قرار داشت.^{۲۷}

جمعیت بیرون شهر بیشتر از جمعیت داخل شهر بود و باغ های بسیاری در اطراف شهر بود که هنگام ورود کوهی از درخت پدیدار می گشت. در اطراف شهر مزارع خربزه و پنبه فراوان بود و خربزه را خشک می کردند و مانند انجیر برای یک سال نگهداری می کردند.^{۲۸}

جمعیت شهر از ملل مانند: ترکان، تازیان، یونانیان، ارمنیان، هندیان و فرقه های مختلف مسیحیت مانند: کاتولیک ها، یعقوبیان، نسطوریان تشکیل شده بود، جمعیت شهر نزدیک به یکصد و پنجاه هزار نفر می رسید و خیابان ها بسیار پر جمعیت بودند. و در آن ها همه گونه کالا و گوشت و نان به فروش می رسید.^{۲۹}

جمعیت چنان زیاد بود که در داخل بارو خانه و مسکن برای آن‌ها پیدا نمیشد و در بیرون شهر سکونت داشتند. سمرقند نه تنها از نظر مواد خوراکی بلکه از نظر داشتن کارخانه نیز ثروتمند بود.

کارخانه ابریشم برای تهیه پرند زیتونی و زربفت و کرپ و تافته و پارچه‌ای که در اسپانیا ترسنال نامیده می‌شد در آن کارخانه‌ها تولید می‌شد، برای لباس‌های ابریشمی آستری پوستی می‌دوختند. قماش زرین و آبی به رنگ‌های گوناگون می‌بافتند و ادویه تهیه میکردند. بازار سمرقند انباشته بود از کالاهایی که از دیار دوردست و سرزمین‌های بیگانه به آنجا وارد می‌شد. از روسیه و تاتار چرم و کتان، از چین: پرینان، حریر چین غیر زربفت و مشک بسیار مرغوب و عالی که در جهان نظیر نداشتند.

کالاهایی که شهرت زیادی داشتند به مقدار زیاد در چین وجود داشت مانند: لعل بدخشان، الماس، مروارید، ساقه ریواس و بسیاری از ادویه‌های دیگر، کالاهای چین نسبت به کالاهای سایر سرزمین‌ها پر ارزش تر و گران‌بها تر بود، زیرا هنرمندان چینی از ماهرترین هنرمندان بودند. کالاهای هندی همانند: جوز هندی، میخک، پوست جوز، دارچین، زنجبیل و ادویه‌های تند و مرغوب که در بازار اسکندریه پیدا نمی‌شد در بازار سمرقند فراوان بود. در سراسر شهر سمرقند میدان‌های پهناوری بود که در آن‌ها گوشت پخته و کباب شده و اش و طیور و شکار به شیوه نیکو پخته بودند و در بازار نان و میوه‌های خوب به فروش می‌رسید. همه این گوشت‌ها و خوراکی‌ها را در ظرف زیبا و پاک در میدان‌ها و فضاهای باز شهر که شب و روز مردم در آن‌ها رفت و آمد می‌کردند به معرض فروش می‌گذاشتند. دکان‌های گوشت فروشی و فروشگاه‌های کوچک طیور که در آن‌ها کبک، قرقاول به فروش میرسید. بازار به صورت شبانه روز باز بود.^{۳۰}

شهر سمرقند دارای نظم بود و نزاهای خیابانی در آن صورت نمی‌گرفت و مردم در آرامش به سر میبردند. مسئولیت داوری در مورد نزاهای خیابانی به عهده قضات شهر بود. برخی دیگر از قضات مسئولیت رسیدگی به اختلاس و حیف و میل اموال دولتی را به عهده داشتند، گروهی دیگر از قضات در شهرها و شهرستان‌ها به شکایت مردم از ماموران دولتی رسیدگی می‌کردند.^{۳۱}

تیمور در واقع از لحاظ تربیت، ترک و ایرانی بود و با عصاره فرهنگ ایران آشنایی داشت ولیکن از لحاظ تشکیلات حکومتی ترکیبی ترک و چنگیزی بود و از لحاظ مذهبی تربیت مغولی و اسلامی داشت.^{۳۲}

به همین خاطر تیمور توانست در آثار به جا مانده، از همه عناصر نژادی و فرهنگ اقوام مختلف استفاده کند. عناصر ترک امپراطوری مشارکت کم رنگی در ساختن بناها از خود نشان دادند. ولیکن ظرافت طبع و مهارت معماران ایرانی و نبوغ ذاتی و تجربه ایرانیان در خلق آثار هنری تیموریان به خوبی آشکار بود.^{۳۳}

تیمور در سال ۸۰۷ه. ق درگذشت و شاهرخ شایسته ترین و صلح دوست ترین فرزند او پس از درگیری با رقبایش قدرت را به دست گرفت و هرات را به عنوان پایتخت امپراطوری تیموریان انتخاب کرد و سمرقند را به پسر دانشمندش الغ بیگ واگذار کرد.

سمرقند بعد از مرگ تیمور

الغ بیگ در طول چهل سال حکومت بر سمرقند و حوالی آن دنباله فعالیت‌های شهر سازی پدر بزرگش را تداوم بخشید و در زمان او ساختمان‌هایی ساخته شد که از نظر فنی و استحکامات بنا، حجم و شکوه ظاهری نسبت به ساختمان‌های تیمور برتری داشتند.^{۳۴}

الغ بیگ علاقه مند به ساختن اماکن خیریه و مدارس عالییه بود که نمایانگر ذوق و علاقه او به آموزش و علوم و فنون بود. یک مدرسه سلطنتی و خانقاه در میدان ریگستان سمرقند بنا نهاد که در اطراف آن بازار قرار داشت و مدرسه و خانقاه در برابر یکدیگر قرار داشتند. مدرسه الغ بیگ در واقع بزرگترین و کامل ترین نمونه مدارس ساخته شده در دوره تیموریان بوده است. این بنای مستطیل شکل دارای ابعاد به طول ۸۱ و عرض ۵۶ متر بوده است. ضمناً حیاط مربع‌ای مدرسه دارای چهار ایوان و چهار سمت بود و ۵۰ اتاق برای سکونت ۱۰۰ طلبه علم داشت.^{۳۵}

الغ بیگ برای حفظ و نگهداری مدارس و ساختمان‌های خیریه زمینهای زیادی را وقف آن‌ها کرد. در این مدرسه که بیش از ۱۰۰ نفر طلبه داشت استاد بزرگ مولانا محمد خوافی و مولانا قاضی زاده رومی و الغ بیگ مشغول به تدریس بودند و به بحث و جدل با طلبه علم می‌پرداختند.^{۳۶}

شهر سمرقند در زمان الغ بیگ به بزرگترین کانون هنر و فرهنگ اسلامی در قرن نهم گردید و در آنجا بزرگترین رصد خانه و مرکز اختر شناسی جهان اسلام ساخته شد.^{۳۷}

هرات در زمان تیموریان

تیمور در حمله به شهر هرات در سال ۷۸۲ ه. ق به علت مقاومت ساکنین شهر با غات حوالی شهر و باروی شهر را ویران کرد و غرامت‌های سنگین بر مردم تحمیل نمود و دروازه‌های آهنین شهر هرات را به زادگاهش شهر سبز(کش) منتقل کرد.^{۳۸}

به نظر می‌رسد تیمور در حملاتش بیشتر برای جلوگیری از شورش مردم و بستن درب باروها و حصار؛ دیوارهای شهر را تخریب می‌کرد و منازل و ساختمان‌های شهر را نابود نمی‌کرد. هرات نیز پس از فتح شهر کوشک غازان، که از کاخ‌های غیاث الدین حاکم هرات بود را تخریب نکرد و در آنجا ساکن شد.^{۳۹}

هرات در زمان شاهرخ، ابوسعید، حسین بایقرا

بعد از مرگ تیمور شاهرخ هرات را به عنوان مرکز قدرت انتخاب کرد، در آن زمان هنوز ویرانه‌های برج و باروی شهر باقی بود، هیچکس آن‌ها را مرمت نکرده بود. شاهرخ بنابر حزم و احتیاط؛ شهر هرات را بازسازی نمود. باره و دیوارهای درون شهر و دروازه‌های درون شهر بازسازی شد. و در اندک مدتی استحکامات آن چنان شکوه و عظمتی پیدا کرد، که عمارت سلاطین گذشته در مقابل آن ناچیز بود.^{۴۰}

شاهرخ و همسرش گوهرشاد بازسازی شهر را ادامه دادند. در مرحله اول بازار هرات که از نظر اقتصادی برای رشد شهر از اهمیت زیادی برخوردار بود بازسازی شد و بازار که تا آن زمان سرپوشیده نبود را طاق‌های عالی بستند و بازار را سرپوش زدند و جاهایی برای روشنایی باز گذاشتند در ساختن و مرمت بازار اصلی شهر آجر پخته و گچ به کار بردند. هرات در این دوره به عنوان یک مرکز تجاری از شمال به شرق و از جنوب به غرب بین التین اردو (الوس، جوجی فرزند چنگیز که شامل قفقاز و روسیه می‌باشد) خوارزم، هند و غرب به شرق با ایالت‌های غربی چین قرار گرفت. چیزی نگذشت که هرات محور اصلی حیات بازرگانی و فکری آسیای مرکزی شد. شهر هرات دارای پنج دروازه بود.

دروازه سمت غرب، عراق نام داشت. دروازه سمت شرق، خوش نامیده میشد. دروازه سمت جنوب را سیستان و هندوستان نام داشت. دروازه سمت شمال دروازه ملک یا میدان، دروازه شمال شرقی، دروازه قیچاق نام داشت. دروازه‌های شهر همه به بازار متصل بودند. و برای هر دروازه درب‌های بزرگ آهنین کار گذاشته بودند. به روی خندق اطراف شهر برای عبور افراد پل بسته بودند و سی گز به عرض قدیم شهر که ۶۰ گز بود افزودند، بعد از آن فصیل یا دیوارهای کوچک شهر را از خاک ریز جدا کردند که هر دیوار دو گز و کسری بود.^{۴۱}

در زمان شاهرخ شهر هرات چنان گسترده شده بود که وقتی اسفزاری و شاگردانش حصار شهر را اندازه گرفتند معلوم شد که محیط آن هفت هزار و سیصد گام بوده و از دروازه شمال تا دروازه جنوب ۱۹۰۰ گام بوده و از دروازه شرق تا دروازه غرب نیز ۱۹۰۰ گام بوده است.^{۴۲}

شاهرخ نقش بزرگی در آب رسانی به شهر هرات داشت. به امرایش دستور داد از رودخانه نزدیک هرات نهرهایی به طول ۵ فرسخ برای انتقال آب به هرات حفر کنند که به نهر یا جوی ماهیگیر شهرت پیدا کرد، و در اطراف آن روستاهای زیادی ساخته شد.^{۴۳}

شاهرخ و گوهر شاد آثار و ابنیه خیریه، مسجد جامع، مدرسه و خانقاهی بنیاد نهادند که باعث رشد و توسعه و افزایش جمعیت شهر گردید. شاهرخ باغ سفید را در میان شرق و شمال هرات احداث کرد که بر زیبایی شهر افزود.^{۴۴}

گوهر شاد که نفوذ فوق العاده‌ای در امور دولتی داشت مدرسه‌ای ساخت که مانند مدرسه شهر سمرقند تبدیل به آرامگاه شاهزادگان تیموری در هرات گردید. شاهرخ و گوهرشاد مصلاهی هرات را - که از سه ساختمان تشکیل می‌شد- بازسازی نمودند. طاق‌های مسجد جامع از لحاظ هنری دارای زیبایی منحصر به فرد بود. شاهرخ آرامگاه شیخ عبدالله انصاری - از بزرگان صوفی - را بازسازی کرد و سنگ‌های مرمر سفید را در آن به کار برد در کنارش ساختمان‌هایی برای زوار آن شیخ بنا کرد.^{۴۵}

به پیروی از شاهرخ و گوهرشاد بزرگانی مانند: پیر احمد خوافی، فیروز شاه بن ارغون شاه در درون و بیرون دارالسلطنه هرات، مدارس و مساجد و خانقاه و رباط‌هایی را برای عموم مردم بنا نهادند که سازنده اکثریت آن‌ها معمار ایرانی قوام الدین شیرازی بود.

مولانا لطف الله مدرسه‌ای در هرات نزدیک مزار پیر مجرد خواجه ابوالوحید احمد بنا نهاد و مولانا محمد امین در درون شهر هرات نزدیک بازارچه قبچاق مسجدی ساخت و دوربای را در روستای قلیچ تعمیر کرد.^{۴۶}

شاهزاده بایسنقر میزا فرزند شاهرخ در شهر هرات کارگاه بزرگ تولید نسخ خطی کتب را تاسیس کرد که در این کارگاه ۲۳ هنرمند شامل: نقاشان، تذهیب کاران، خطاطان، صحافان، خط کشان و جعبه سازان مشغول به کار بودند.^{۴۷}

ملکت آغا همسر دیگر شاهرخ مراکزی مانند خانقاه، دارالحديث، دارالشفاء و گرمابه‌ای در شهر هرات برای استفاده عموم مردم ساخت.^{۴۸}

میرزا ابوالقاسم بابر زاهد و پارسای دربار شاهرخ بر سر مزار شیخ بهاءالدین عمر در شمال شهر هرات عمارتی زیبا برای زوار شیخ بنا کرد.^{۴۹}

ابوسعید بعد از کنار زدن رقبایش هرات را به عنوان مرکز حکومت انتخاب کرد و بازسازی هرات را ادامه داد. او با کندن نهری جدید در سمت شرقی بیرون دیواره‌های شهر هرات آبرسانی به هرات را دنبال کرد و به واسطه همین نهر در حومه هرات املاک باغی و مزارع زیادی احداث گردید.^{۵۰} حسین بایقر جانشین ابوسعید شهر هرات را تبدیل به پایتخت فرهنگی در آسیا کرد. معماران و مهندسان برای ساختن کاخی زیبا، چهار باغی وسیع به وسعت ۴۴۰ جریب زمین را در نظر گرفتند و در وسط آن باغ جهان آرا را احداث نمودند.^{۵۱}

در زمان حسین بایقرا و زیر دانشمندش امیر علیشیر نوایی که به امیرکبیر شهرت داشت بیش از صد بنای قدیمی و جدید بازسازی و ساخته شدند. آثاری مانند: آرامگاه سلطان حسین بایقرا، مدرسه، مجتمع اخلاصیه (امور خیریه) مسجد جامع، خانقاه، دارالحفاظ، (جایی برا قرائت قرآن) دارالشفاء و حمام و مرمت مسجد آل کرت هرات و چند کاروانسرا.^{۵۲}

هرات در اکثر دوره‌های تاریخی به عنوان یکی از مهمترین شهرهای خراسان شناخته شده است لیکن دوران شکوفایی و اوج زیبایی آن بدون تردید مربوط به عصر تیموریان است که عظمت و اهمیت شهر هرات در سرزمین‌های خراسان جایگاه تجاری، سیاسی، ادبی، اجتماعی در تاریخ ایران خاوری باعث آوازه و شکوه و ابهت هرات در آن روزگار گردید.^{۵۳}

شاهان تیموری تلاش می‌کردند از راه گسترش قدرت خویش و نیز تقویت امور فرهنگی و تبدیل دربار خود به یک کانون پیشرو هنری و فرهنگی بر اعتبار خود بیافزایند.

از این رو دربار آنان به صورت مراکز معارف و هنرها در آمد. در پایان دوره تیموریان هرات دیگر یک شهر فرهنگی در آسیا محسوب می‌شد. شاهان و شاهزادگان و درباریان از پشتیبانان پر شور ادبیات، شعر، نگارگری، خطاطی، هنر تجلید، صفحه آرایی بودند. آنها شمار زیادی از علما، دانشمندان را در دربار خود گرد آوردند و پایتخت خود را با عبارات دلنشین و آثار ستورگ آذین بستند.^{۵۴} در این دوران دارالسلطنه هرات به صورت دارالعلم بزرگی درآمد بود و از اطراف و اکناف جهان طالبان علوم صوری و معنوی بدان کانون فرهنگ و ادب روی می‌آوردند و در هر گوشه شهر گنبدهای عظیم مساجد و مدارس و خانقاه سر بر آسمان برافراشتند. در زیر آن‌ها حلقه‌های درس و مجالس ادب و بحث و مناظره برپا و دایر بود. هزاران آثار ودیعه هنری و کتب علمی از آن دارالعلم بزرگ به ظهور پیوسته است.^{۵۵}

پادشاهان تیموری بزرگترین مدارس، گنبد ها، خانقاه ها، مساجد، دارالسیاده و دارالشفاء و کتابخانه‌ها را در این شهر به وجود آوردند این کانون عظیم هنری در تاریخ فرهنگ و هنر و تمدن ایران به نام مکتب هرات خوانده شده است.^{۵۶}

دوران بعد از تیمور از لحاظ معرفت و کمال قرن طلایی دورانی است که (رنسانس تیموری) و (دوران احیای علم و دانش) نامیده شود در این دوران تجلیات علم و معرفت و کمال به اوج تعالی خود رسید و در اواخر سلسله تیموریان شعر و ادبیات فارسی به اوج رسید.^{۵۷}

نتیجه:

اقدامات بازسازی تیموریان به اندازه ویرانگری‌هایشان در دوره اولیه حکومت آن‌ها شگفت انگیز است. تیمور امنیت زیادی در مناطق تحت سلطه‌اش برقرار کرد و با اعمال جریمه‌های سنگین و عملیات نظامی در نواحی پر خطر، راهزنان را مجازات کرد و در سراسر امپراطوریش یک نظام کارآمد پستی برقرار کرد. تیمور اشتیاق زیادی به بازسازی و مرمت شهرها و روستاها که در حین یورش او ویران شده بودند داشت.

تیمور ایران را عصاره فرهنگ و تمدن می‌دانست و برای توسعه شهر سمرقند از ابنیه و آثار هنری و سایر پیشرفت‌های فرهنگی ایرانیان بهره فراوان گرفت. دانشمندان، شاعران، هنرمندان، معماران و پیشه‌وران ایرانی را از شهرهای مفتوحه به سمرقند منتقل کرد و با ایجاد بناهای سلطنتی، مذهبی، و

اقتصادی به رشد و توسعه پایتختش کمک شایانی کرد. الخ بیگ نوه تیمور نیز بازسازی و مرمت بناهای علمی را در سمرقند ادامه داد. شاهرخ در دوران حکمرانی طولانی‌اش و با ثبات سیاسی که به وجود آورده بود شهر هرات را به عنوان یک شهر فرهنگی و تجاری به جهانیان معرفی کرد و بناهای بسیار زیبا: از جمله مساجد، مدارس، دارالشفاء، دارلسیاده، کاروانسراها، حمام‌های عمومی احداث کرد. که باعث جذب بسیاری از هنرمندان، دانشمندان، علما و موسیقی دانان به دربار هرات شد. از همه مهمتر به دلیل امنیتی که به وجود آورده بود هرات را تبدیل به محور اصلی حیات بازرگانی و فکری آسیای مرکزی کرد. ادامه توسعه هرات را سلطان حسین بایقرا ادامه داد که به گفته مورخین در دوران باشکوه او نزدیک به یکصد ساختمان عام المنفعه ساخته و بازسازی شدو در دوران او کانون عظیم هنری در تاریخ فرهنگ و تمدن ایران به نام مکتب هرات خوانده می‌شد.

یادداشت

- ۱ ابن بطوطه، سفرنامه، ترجمه محمد علی موحد، بی جا، ۱۳۷۰، جلد اول، ص ۴۵۷
- ۲ انطنزی، معین الدین، منتخب التواریخ معینی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۳، ص ۲۲۳ و ۲۲۴
- ۳ ابن عربشاه، زندگی شگفت آور تیمور، محمد علی نجاتی، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۷۰، ص ۳۰۷ و ۳۰۸
- و حبیبی، عبدالحی، هنر در عهد تیموریان، کابل، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳، ص ۳۲
- ۴ واله اصفهانی، محمد یوسف، خلدبرین، تصحیح میر هاشم محدث، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، روضه ششم و هفتم، ۱۳۷۹، ص ۲۵۹ و پوپ، آرتور، معماری ایران، ترجمه کرامت الله افسر، تهران، انتشارات پارس، ۱۳۶۵، ص ۲۳۲
- ۵ میرخواند، محمد بن خاوندشاه، روضه الصفاء، جلد ۶ تصحیح جمشیدکیان فر، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰، جلد ۶ ص ۵۱۱۲ و ۵۱۱۳ و یزدی، شرف الدین علی، ظفرنامه، تصحیح سید سعید میر محمد صادق، عبدالحسین مولایی، تهران، کتابخانه موزه مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷، جلد اول، ص ۹۷۸ و شامی، نظام الدین، ظفرنامه، تهران، انتشارات نشر کتاب، ۱۳۶۴، ص ۱۶۷
- ۶ تقوی، همان، ص ۳۰۷ و قاضی احمد، قزوینی، آصف خان، تاریخ النبی، غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲، جلد ۶ ص ۴۸۶۸
- ۷ ابن عربشاه، همان، ص ۳۰۷
- ۸ کلاویخو، سفرنامه، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴
- ۹ همان، ص ۲۲۴
- ۱۰ همان، ص ۲۳۰
- ۱۱ همان، ص ۲۳۲
- ۱۲ همان، ص ۲۳۴
- ۱۳ همان، ص ۲۳۶
- ۱۴ همان، ص ۲۴۹
- ۱۵ ابن عربشاه، همان، ص ۲۲۶
- ۱۶ میرخواند، همان، جلد ۶ ص ۴۸۷۲
- ۱۷ کلاویخو، همان، ص ۲۷۹ و شامی، همان، ص ۲۱۲
- ۱۸ میرخواند، همان، جلد ۴، ص ۴۹۳۱ و یزدی، همان، جلد ۱، ص ۹۸۸
- ۱۹ یزدی، همان، جلد ۱، ص ۹۸۷، میرخواند، همان، جلد ۶ ص ۵۱۱۲
- ۲۰ ابن عربشاه، همان، ص ۲۲۶ و اصفهانی، همان، ص ۲۹۵ و یزدی، غیاث الدین علی، سعادت نامه یا روزنامه غزوات هندوستان، تصحیح ایرج افشار، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۸۷
- ۲۱ یزدی، همان، جلد ۲، ص ۱۲۵۵

- ۲۲ کلاویخو، همان، ص ۲۳۵ و بارتولد، واسیلی ولادیمیر، تاریخ ترک های آسیای مرکزی، غفار حسینی، تهران، انتشارات طوسی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۳
- ۲۳ کلاویخو، همان، ص ۲۷۱
- ۲۴ همان، ص ۲۷۷
- ۲۵ همان، ص ۲۷۷
- ۲۶ همان، ص ۲۸۶
- ۲۷ همان، ص ۲۸۴
- ۲۸ همان، ص ۲۸۴-۲۸۵
- ۲۹ همان، ص ۲۸۷
- ۳۰ همان، ص ۲۹۱
- ۳۱ همان
- ۳۲ گروسه، رنه، امپراطوری صحرانوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹، ص ۶۸۴
- ۳۳ بارتولد، همان، ۲۵۲ و پوپ، همان، ص ۲۳۳
- ۳۴ بارتولد، همان، ص ۲۵۲
- ۳۵ بلر، شیلان، هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی، ترجمه، سید موسی هاشمی گلپایگانی، تهران، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲، جلد اول، ص ۷۰ و ابرو، حافظ، زبده التواریخ، تصحیح، کمال حاج سید جوادی، بیجا، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲، جلد ۲، ص ۲۴۸
- ۳۶ زبده التواریخ، جلد دوم، ص ۷۴۳، آکا، اسماعیل، تیموریان، اکبر صبوری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۸
- ۳۷ طاهری، ابوالقاسم، از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳، ص ۱۶
- ۳۸ میرخواند، همان، جلد ۶ ص ۴۶۷۵ و شامی، همان، ص ۸۳ و یزدی، همان، جلد ۱، ص ۵۰۲
- ۳۹ یزدی، همان، جلد ۱، ص ۲۳۶
- ۴۰ زبده التواریخ، جلد ۱، ص ۵۸۰
- ۴۱ ابرو، حافظ، جغرافیای خراسان، تصحیح، غلامرضا ورهرام، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰، ص ۱۵ و ۱۶
- ۴۲ همان، ص ۶۷ و ۶۸
- ۴۳ میرخواند، محمد بن خاوندشاه، روضه الصفاء، تصحیح جمشیدکیان فر، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۰، جلد ۶ ص ۴۸۷۲
- ۴۴ زبده التواریخ، جلد ۱، ص ۴۳۶

- ۴۵ خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین حسین، حبیب السیر، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۶۲، جلد ۴، ص ۵۸
- ۴۶ خواندمیر، همان، جلد ۳، ص ۶۴۰ و تاکستن و دیگران، تیموریان، یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۸۴، ص ۵۷-۵۹
- ۴۷ پوپ، همان، ص ۱۹۰
- ۴۸ آکا، همان، ص ۲۴۸
- ۴۹ خواندمیر، همان، جلد ۴، ص ۵۸
- ۵۰ تاکستن و دیگران، همان، ص ۶۲
- ۵۱ خواندمیر، همان، جلد ۴، ص ۴ و ۱۳ و میرخواند، همان، جلد ۷، ص ۵۶۸۹
- ۵۲ کولتو، پاتولو، تاریخ شهر سازی جهان اسلام، سعید تیز قلم زنوزی، تهران، وزارت مسکن و شهر سازی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۱ و سمرقندی، دولتشاه، تذکره الشعراء، تصحیح مهدی رضائی، تهران، انتشارات خاور، ۱۳۶۶، ص ۳۷۶ و تاکستن و دیگران، همان، ص ۶۲
- ۵۳ اسفزاری، معین الدین، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، تصحیح، سید کاظم امام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹، ص ۳۲ و میرجعفری، حسین، تاریخ تیموریان و ترکمانان، اصفهان، دانشگاه اصفهان، آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۹
- ۵۴ تاکستن و دیگران، همان، ص ۸۸ و ۸۹
- ۵۵ انتشارات دانشگاه تهران و میرجعفری، همان، ص ۱۳۵ و ۱۳۶ و زبده التواریخ، جلد ۱، ص ۴۳۶
- ۵۶ همان
- ۵۷ گروسه، همان، ص ۷۵۸

